

همگامیهای برنامه توسعه و برنامه ملی تحقیقات*

دکتر حسن حبیبی

گهگاه مبهم، توسط برنامه ریزان احساس و سپس ادراک می‌شود و با بررسی عملی بودن فصل تحقیقات همان برنامه توسعه، شکل نیمه نهایی و سپس نهایی به خود می‌گیرد. به گونه‌ای که برنامه نهایی توسعه، همراه و همعنان با برنامه نهایی تحقیقات می‌شود و با هم در برنامه توسعه درج خواهند شد.

۳. برنامه توسعه و به تبع آن و همعنان و همراه و گهگاه پیشاپیش آن برنامه تحقیقات باید متوجه تجدید حیات و درمعنای دیگر شکوفا کردن تمدن و فرهنگ اسلامی باشند.

۴. در تحقیقات مرتبط با آرمان و فرهنگ و تمدن ما چند نکته به طور خاص باید مورد توجه قرار گیرند:

الف) آنچه با استقلال کشور، از همه جهات اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و رابطه مستقیم دارد.

ب) آنچه ما را از دشمنان و دشمنان دوست نما بی‌نیاز می‌کند.
ج) آنچه زمینه‌های عقب ماندگی را در آینده از میان می‌برد و راه توسعه پایدار و جامع الاطراف را با توجه به آرمان اسلامی ما هموار می‌سازد.

د) آنچه جمعی از کشورها را همکار و یا نیازمند ما می‌سازد.
هـ. روشن است که فصل تحقیقات چنین برنامه‌ای باید متوجه رشته‌های نو و پیش‌بینی رشته‌های آینده باشد. شناسایی و پیش‌بینی درمورد رشته‌های نو، شرط اصلی و اساسی توسعه تحقیقات و توسعه به معنی عام در آینده است. ایران اسلامی نمی‌تواند و نباید در تحقیقات دنباله رو باشد. در واقع اگر ایران اسلامی بخواهد سخن تازه‌ای داشته باشد لزوماً باید در تحقیقات پیشرو باشد.

۶. در خصوص امکانات و تجهیزات و وسایل و ابزار باید کوشش کرد به گونه‌ای در اولویتها نگریسته شود که:

الف) آنچه امکانات مادی کمتر می‌خواهد و بیشتر با فکر و مغز و تواناییهای انسانی مربوط می‌شود در مرحله اول قرار گیرد. توجه به این امر موجب می‌شود که ابزار گرای که تا حد زیادی بر ذهن و فکر محققان خصوصاً محققان جوان و بویژه تحصیل کردگان در خارج مسلط شده است، اندکی رنگ ببازد و دیگر بار مقام و موقع انسانی و

در گزارشهای ملی تحقیقات منتشره از سوی شورای پژوهشهای علمی کشور، مسأله ارتباط جدی تحقیقات و برنامه توسعه جامع الاطراف کشور مطرح گردید. خصوصاً طرح برنامه توسعه همه جانبه کشور در چشم انداز سال ۱۴۰۰ و به بیان دیگر «ایران ۱۴۰۰»، لزوم ارتباط حساب شده و اندیشیده دو امر پژوهش و توسعه پایدار و همه جانبه را بیش از پیش نمودار ساخت.

در اینجا، به چند نکته اساسی در خصوص همگامیهای برنامه توسعه و برنامه ملی تحقیقات اشاره می‌شود:

۱- بحث درباره اهمیت و سهم و اثر پژوهش در توسعه نباید پایان یافته تلقی شود و تعیین جایگاهی مناسب و شایسته برای تحقیقات بایسته است. البته در این زمینه باید به این نکته اساسی توجه داشت که: اولاً پژوهش به معنی تام و تمام کلمه تعریف و تبیین شود و فرق اساسی و بنیادین آن با تتبع و جمع‌آوری اطلاعات، هر چند سخت کوشانه و موشکافانه و دقیق، روشن گردد. ثانیاً نتیجه تحقیق الزاماً باید به ابداع و اختراع و ابتکار راهی نو و تازه بیانجامد و مسأله‌ای را که تاکنون حل نشده بوده است حل کند و یا گامی در حل مسأله فرایزش نهد و یا حداقل ما را به این نتیجه برساند که تا فراهم آمدن وسایل و ابزار خاص - که فعلاً در دسترس نیست - و یا تا پیدا شدن عوامل و شرایط مخصوص، نباید انتظار حل شدن مسأله را داشت و بنابراین باید نخست در اندیشه فراهم آوردن وسائل و ابزار و یا ایجاد عوامل و شرایط ویژه بود.

۲- برنامه توسعه کشور در چشم‌انداز ۱۴۰۰ نیز با توجه به امکانات موجود و درعین حال با توجه به امکان و عدم امکان فراهم ساختن امکانات جدید باید تدوین گردد.

روشن است که این برنامه تابعی از متغیر پیشرفت تحقیقات خواهد بود یعنی هر قدر اطلاعات، توسط تحقیقات، کامل شوند برنامه توسعه به مرحله تحقق نزدیک خواهد شد. در واقع پیش‌نویس برنامه توسعه، پیش‌نویسی از خواسته‌ها و الزامات توسعه کشور است که با توجه به امکانات بالقوه و بالفعل به گونه‌ای کلی و

فکر و ذهن بیش از این دوره مورد عنایت واقع شود. (ب) به وسایل و امکاناتی نیاز باشد که بتوان آنها را در داخل کشور ساخت و فراهم آورد و به خصوص به وسایل و ابزارهای توجیه شود که با تحریم و دیگر بازبهای سیاسی کمتر روبه‌رو باشند و یا روبه‌رو شوند.

(ج) باید راههای استفاده از وسایل و ابزار ساده‌تر را یافت (که خود موضوع تحقیقی پرمایه و وسیع است).

۷- در مورد نیروی انسانی

(الف) باید نیروی انسانی موجود یعنی محققان - با توجه به اولویتهایی که تعیین می‌شوند - شناسایی شوند و در مواردی که به بازآموزی نیاز است برنامه بازآموزی تدوین گردد.

(ب) نیروی انسانی در حال تحصیل با توجه به اولویتهایی که معین شده‌اند در صورت لزوم تغییر مسیر بدهند و یا در برنامه درسی آنها مواد درسی تازه اضافه و احتمالاً برخی مواد حذف شوند.

(ج) از نیروی انسانی معتقد به این راه و رسم که در خارج از کشورند باید دعوت به کار کرد. شاید علت عدم جذب گروهی از محققان خارج این باشد که محل دقیقی برای تحقیق و فعالیت آنها معین نبوده است و ماهم نمی‌دانستیم که چگونه و در کجای می‌توان از این گروه استفاده کرد.

۸- شایسته است که برنامه موسسات پژوهشی و دانشگاههای ما به دو دسته تقسیم شوند:

(الف) در یک بخش به کارها و تحقیقات توسعه‌ای و کاربردی بپردازند.

(ب) در بخش دیگر نیز به تحقیقات پایه بپردازند. در این بخش به نظر می‌رسد که با توجه به امکانات موجود راهی جز این نباشد که امکانات تحقیقاتی (وسایل و ابزار و نیروی انسانی) این گروه مجتمع شوند تا فایده بخش باشند.

۹- سازمان برنامه و شورای پژوهشهای علمی کشور باید همکاری نزدیک داشته باشند تا سهم تحقیق هر دستگاه با توجه به پژوهشهایی که بر مبنای اولویتهای انجام می‌رساند با دقت و صداقت و عدالت معین شود.

۱۰- باید یک دستگاه نظارتی قوی به وجود آید و پیشرفت کارها را ببیند و براساس آن هم درباره اولویتهای معین شده و دور شدن و نزدیک شدن آنها به هدفها نظر بدهد و هم با توجه به کارهای انجام یافته برای اعتبارات سال بعد پیشنهاد بدهد.

۱۱- نکته مهم دیگر و شاید مهمترین نکته، تدوین یک برنامه ملی تحقیقات با توجه به برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور و به طور کلی برنامه توسعه همه جانبه «ایران ۱۴۰۰» است. این برنامه که پایه و اساس آن در بودجه کل کشور سال ۷۶ از طرف دولت پیشنهاد شده است. خطمشی اصولی و اساسی تحقیقات را برای سالهای آینده روشن می‌کند. مبانی فکری این طرز تلقی در سخنرانی این جانب در جلسه عمومی شورای پژوهشهای علمی کشور (۷۵/۴/۱۱) مطرح گردید و سپس در

شورای پژوهشهای علمی و کمیسیونها و کمیته‌های آن مورد بحث و بررسی قرار گرفت و سرانجام در لایحه بودجه سال ۷۶ در هیأت دولت تصویب و به مجلس تقدیم گردید. چنانچه این برنامه به طور دقیق و حساب شده و منظم در طول چند سال پیگیری و اجرا شود، قسمت اعظم نزدیک به تمامی تحقیقات را می‌توان در این جهت قرار داد. تحقیقات در این معنی هم کاربردی و هم توسعه‌ای و هم بنیادی است و اگر درست برنامه‌ریزی کنیم باید بخش قابل توجهی از آن جنبه بنیادی داشته باشد تا بتواند پاسخگوی نیازهای درازمدت توسعه پایدار همه جانبه کشور باشد.

۱۲- به نظر می‌رسد که هنگام آن رسیده است که با دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی دیگر کشورها و بویژه دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی کشورهای همجوار و نیز کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، همکاریهای مفیدی در زمینه تحقیقات آغاز شود. زمینه‌های مشترک که مورد نیاز چند کشور منطقه باشد کم نیستند و چه بهتر که توانایی عملی و امکانات مادی به جای آنکه به طور پراکنده و چند بار برای یک هدف و برنامه تعریف شده به کار روند، در یک برنامه جامع و با تقسیم کار درست و به قاعده به کار گرفته شوند. بدین ترتیب زودتر و در بسیاری از موارد بهتر می‌توان به مقصد رسید.

بی‌شک گزارش ملی تحقیقات سال ۱۳۷۶، نخستین ارزیابی را از اجرای برنامه ملی تحقیقات کشور به دست خواهد داد و شاید مناسب باشد که در گزارشهای ملی تحقیقات سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ و به چند نکته جدید از جمله چگونگی برخورد مراکز تحقیقات با مسائل مربوط به امکانات مادی و تواناییهای انسانی و نفی ابزارگرایی و ساخت داخل وسایل و ابزار و بهره‌گیری از ابزارهای ساده‌تر (مذکور در بند ۶ این یادداشت) و نیز موارد مذکور در بند ۴ توجه شود و همچنین به اولویتهای تحقیقاتی که از مدتی پیش در زمینه تحقیقات مطرح شده است، پرداخته شود و میزان دوری و نزدیکی تحقیقات در جریان را با «اولویتهای» تعیین نماید و نشان دهد که تا چه حد تحقیقات به اولویتهای که در واقع نیازمندیهای اطلاعاتی کشورند توجه کرده‌اند. این بررسی راه را برای اجرای برنامه ملی تحقیقات کشور هموار می‌کند و نیز تجربه‌ای برای چگونگی ارزیابی تحقیقاتی خواهد بود که در چهارچوب این برنامه ملی به انجام می‌رسند.



یادداشت:

* برگرفته از مقدمه دکتر حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهور و رئیس شورای پژوهشهای علمی کشور، در گزارش ملی تحقیقات سال ۱۳۷۳.